

چگونه با شهدای کربلا همراه شویم؟

در ظاهر امر این امکان وجود ندارد که ما بتوانیم در کنار کسانی که در عاشورای ۶۱ هجری در کنار امام حسین^(ع) جنگیدند، قرار بگیریم اما اولیای الهی برای کسانی که حسرت این یاری را می خورند، راه‌هایی را باز کرده‌اند. امام‌رضا^(ع) در حدیث مشهوری خطاب به ریان بن شیب، می‌فرمایند: «يَا بْنَ شَيْبٍ إِنَّ سِرْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لَعَنَ اسْتِشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ قَتْلُ مَتْنٍ مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْثَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا، یعنی ای پسر شیب! اگر آرزو داری در اجر یاران حسین بن‌علی^(ع) شریک باشی، هر زمان که به یاد آن‌ها افتادی، با خود بگو که ای کاش با شما بودم و در اجر عظیم شما شریک می‌شدم، آرزو مقدمه امید است و امید، مقدمه حرکت. انسان وقتی حرکت می‌کند که به تحقق هدفش، امید داشته باشد و امید زمانی شکل می‌گیرد که بذر آرزو در دل انسان جوانه بزند. با این حال، شرط زمینه‌سازی آرزو برای ایجاد امید و حرکت، آن است که منطقی و معقول باشد. بر این اساس، اینکه شما آرزو کنید به یک مقام و منزلت دنیوی برسید، آرزوی صحیحی است، چون معقول است اما اینکه شما آرزو کنید به صدها سال قبل بازگردید که بتوانید با شهدای کربلا همراه شوید، این آرزو ازاساس باطل است و تحقق‌یافتنی نیست. اینجاست که باید به ماهیت پنهان کلام ولی معصوم خدا توجه کرد که پیامی والا و انسان‌ساز دارد.

حقیقت این است که واقعیت دیگری نیز در کلام علی بن موسی الرضا^(ع) وجود دارد. این حدیث به آن معناست که فرد با بیان این مطلب، به خود یادآوری کند که تصمیم گرفته است در خط شهدای کربلا حرکت کند و در مسیر آن‌ها ادامه مسیر دهد؛ زیرا آن‌هایی که همراه حضرت سیدالشهدا^(ع) به شهادت رسیدند، اجر و منزلتی دارند که به نظر نمی‌رسد با ذکر یک جمله توسط انسان، بتواند با همه آن مصائب و رنج‌هایی که متحمل شدند، برابری کند. آیا با تلفظ یک لفظ و قرائت یک جمله، به ذهن می‌رسد که فرد بتواند با مقام شهدای کربلا برابری کند؟ اما حضرت ذیل این فرمایش خود قصد دارند تبیین کنند این نیست که شما صرفا به آرزو اکتفا کنید، بلکه حضرت تصریح می‌کنند که شیعه باید همان چیزی را در خود به‌وجود بیاورد که شهدای کربلا داشتند. اصل مطلب هم درباره شهدای کربلا، ارجح دانستن خدا در همه امور است که براساس آن، انسان سهم خدا را در همه شئون زندگی خود درنظر بگیرد و وجودش، وقف ذات اقدس پروردگار باشد.

آیین شهدای کربلا نیز آن بود که رضای خدا را بر کاروکاسبی کردن، کنار زن و فرزند بودن و بهره‌مندی از آرامش و امنیت ترجیح دادند و اراده کردند بدن‌هایشان در کربلا پاره‌پاره شود تا همه هستی‌شان، فدای اراده الهی شود. علی بن موسی الرضا^(ع) هم به ریان بن‌شیب توصیه می‌کنند در مسیر شهدای کربلا حرکت کند، خدا را بر همه لذایذ و شیرینی‌های زندگانی ترجیح دهد و همه چیز را وقف خدا بداند.

اکنون برپایه حدیث امام‌هشتم^(ع)، جا دارد بنشینیم با خود حساب کنیم که در زندگی‌هایمان چنددرصد را برای خدا درنظر گرفته‌ایم و چقدر برای خود کار کرده‌ایم. اگر ثمره محاسبات ما به این رسید که ۸۰ یا ۹۰ یا حتی ۱۰۰ درصد اعمالمان در هر روز برای خداست و برای خدا و نیت‌های خدایی و الهی بوده‌ایم، آن زمان است که می‌توانیم بگوییم «یا لَیثَنی کُنَّا مَعَهُم» و اینجاست که ذات اقدس پروردگار، اجر حبیب‌بن‌مظا هر را به ما هم عنایت می‌کند.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

روایت



نامه ای از طرف او

افراد زیادی به شیوه‌های گوناگون در واقعه کربلا حضور داشته‌اند، از روزی که امام حسین^(ع) تصمیم به حج گرفتند تا روزی که تصمیم به قیام گرفتند و حتی بعد از شهادت غریبانه ایشان، افراد مختلفی در این واقعه حضور داشته‌اند. از بین همه این افراد، امروز به‌سرآغ کسانی می‌رویم که از بزرگان شهر بصره بودند و امام حسین^(ع)، اشراف بصره را به حمایت از دین خدا و قیام علیه یزید دعوت کردند. نامه که به سران قبیله و اشراف رسید، هرکدام کاری کردند. احتف بن قیس، امام را نصیحت کرد که صبور باشد. او فرستاده و حامل نامه امام را به عیبدا.. تحویل داد و او را کشتند.

اما مسعودبن تمیم، قبایل تمیم و سعد و... را جمع کرد و برای آن‌ها سخنرانی کرد و اطرافیان‌ش را به حمایت از حسین^(ع) فراخواند: «به خدا سوگند! هرکه در یاری حسین^(ع) کوتاهی به خرج دهد، خداوند خواری و ذلت را در فرزندانش به میراث نهد و او را بی‌یار و یاور می‌سازد و اکنون این منم که لباس رزم به تن کرده و زره کارزار پوشیده‌ام. آن که کشته نشود، خواه‌ناخواه از دنیا خواهد رفت و هرکه از مرگ بگریزد، جان سالم به در نخواهد برد.

و او این‌گونه جواب نامه نوه پیامبر^(ص) را داد: «اما بعد، ای پسر دختر پیامبر! نامه شما واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل شد. ما مطلع شما هستیم. خداوند، زمین را از راهنمای خیر و دلیل راه حق، خالی نمی‌گذارد. تو امروز حجت خدا بر خلق و ودیعه او در زمین و شاخه‌ای از درخت وجود احمدی هستی. به جانب ما پیش آی که گردن‌های بنی‌تمیم برای فرمان تو خم شده است و در پیروی از فرمان تو، از شتر نشنه در ورود به آب، مطیع‌تر است.

نامه را به دست حجاج‌بن‌یدر سعدی داد تا برای امام‌حسین^(ع) ببرد. نامه را که به دست امام رساند، اباعبدل...^(ع) دعایش کردند: «تو را چه شده است؟ خداوند، تو را از بیم و هراس ایمنی دهد و عزت و سربلندی به تو عنایت کند و در تشنگی روز قیامت، سیراب کند.

همه دعاهای امام درباره او استجابت شد. در تاریخ جز اسمی و چند خط از او نمانده است، ولی همان اسم به این دلیل عزت و بزرگی دارد که در زمره شهدای کربلاست. خدا هراس و بیم را از او برداشت و شجاعت داد که این‌گونه در مقابل لشکر چندهزارنفری این‌زیاد بجنگد و در کنار حسین^(ع) و بی‌یواری‌اش شمشیر بزند و مگر می‌شود کسی که نامش درمیان نام‌آوران کربلاست و گفته‌اند هیچ شهیدی در گذشته و آینده به پای آن‌ها نمی‌رسد، روز قیامت سیراب نشود؟ حجاج نامه را که رساند، در رکاب امام^(ع) ماند و روز عاشورا در راه خدا و قیام اباعبدل...^(ع) شهید شد.

شهریار

شماره ۲۲
مرداد ۱۳۹۲
شماره ۲۷
مهر ۱۳۹۵

شماره ۱۴
شهریار



مقاومت

مقاومت، یک مفهوم اصیل قرآنی، نه جریانی خودساخته

گفتمان مقاومت همچون گفتمان جهاد، یک گفتمان اصیل اسلامی و قرآنی است، لکن هم مفهوم جهاد که در آیات متعدد قرآن آمده و هم مفهوم مقاومت که هم واژه و هم محتوایش در برخی آیات آمده است، در تطور تاریخی و به اقتضای تغییر شرایط با درک متفاوتی مواجه شده‌اند، برای مثال در دوره‌ای از تاریخ، صرفا در حد مفهوم مانده و در دوره‌ای از تاریخ، مجموعه مفاهیم آن تبدیل به یک نظریه شده است و در دوره‌ای هم این نظریه به نظام و گفتمان و جریان اجتماعی تبدیل شده است.

مسئله مقاومت در زمان ما به‌خصوص به‌دلیل مواجهه حداکثری و تفصیلی جریان اسلام‌گرا با جریان‌های ضداسلام‌گرا و استکباری به یک جریان یا گفتمان اجتماعی و حتی سیاسی قوی تبدیل شده است، لذا وقتی درباره گفتمان مقاومت سخن می‌گوییم، کسی به ما خرده نمی‌گیرد که چرا برای جریان خودساخته یا غیراصیل یا مسئله‌ای که به جریان اجتماعی تبدیل نشده، عنوان گفتمان به کار می‌برید، حتی مخالفان گفتمان مقاومت در اشاره و وصف آن حتی انتقادی، چنین تعبیری دارند و تلاش‌های معطوف به این مفهوم را جریان مقاومت می‌خوانند، از این‌رو گفتمان شدن مفهوم مقاومت در این دوران، بهانه‌ای نیست که بگویند این جریان خودساخته و غیراصیل زمانه ماست، نه! بلکه این جریان، اصیل و دارای پایه قرآنی(هم در واژه و هم در محتوا) و روایی است و در سیره معصومان^(ع) و علما ریشه دارد، البته امروز پرنرنگ‌تر درباره‌آن بحث می‌شود.

عضو هیئت‌علمی و مدیرگروه فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم^(ع) در گفت‌وگو با شهرآرا بیان کرد

مقاومت یک گفتمان اصیل قرآنی است

آمنه مستقیمی بیست‌وسومین روز از مرداد در تقویم به نام روز مقاومت اسلامی نام‌گذاری شده است. به‌مناسبت فرا رسیدن این روز در گفت‌وگو با حجت‌الاسلاموالمسلمین دکتر احمد رهدار، عضو هیئت‌علمی و مدیرگروه فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم^(ع)، مفهوم‌شناسی مقاومت در آموزه‌های دینی را بررسی کرده‌ایم که مشروح آن در ادامه از نظرنامی می‌گذرد.

مقاومت در ادبیات قرآن

کتاب «مقاومت در اسلام» نشر مرکز اندیشه‌سازان نور در تهران، به قلم دکتر اصغر افتخاری، در فصلی مفاهیم قرآنی محیط بر مسئله مقاومت را بحث کرده است. این کتاب اگرچه خوب است، به نظر می‌رسد در ادامه باید تا آنجا قرآن را در موضوع مقاومت استنتاج کنیم که به تولید نظریه قرآنی مقاومت برسیم، ما هنوز نظریه قرآنی مقاومت را کشف و تبیین تفصیلی نکرده‌ایم، درحالی‌که نیازی می‌برم و فراوان به آن داریم، به‌ویژه آنکه قرآن به میزان کافی در این‌باره به ما مینا و گزاره، محتوا و روش، نتیجه و الگو و مصداق تاریخی می‌دهد، یعنی مجموعه آیات قرآن، می‌تواند به‌صورت ذوابعد درباره مسئله مقاومت به ما خوراک محتوایی بدهد، به‌عبارت بهتر، مقاومت برای قرآن مسئله‌ای خرد و حاشیه‌ای نبوده است اما اینکه چرا تاکنون کار پژوهشی شاخص و فاخر قرآنی در موضوع مقاومت نداشته‌ایم، آسیب‌شناسی خاص خود را می‌طلبد.

اگرچه در جای‌جای بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مقاومت که جمع آوری و در قالب کتاب منتشر شده، درباره مقاومت استنادهای قرآنی آورده شده و همچنین مقالات موردی نگاشته شده است، این‌ها برای تولید نظریه قرآنی مقاومت، کفایت نمی‌کند، درحالی‌که گفتمان مقاومت این ظرفیت را دارد که مهم‌ترین حرف‌های مارا در دوردست‌ترین نقاط جهان اسلام و به‌عمیق‌ترین شکل ممکن حتی به جامعه اهل تسنن انتقال دهد.

اگر گفتمان مقاومت بخواهد مقبول همه جامعه اسلامی باشد، باید مستند به منابع پذیرفته‌شده همه فرق و مذاهب باشد. در میان همه منابعی که در اختیار داریم، بهترین، در دست‌ترین، متقن‌ترین و مقبول‌ترین منبع دینی برای همه فرقه‌ها، قرآن کریم است. اگر با قرآن از مقاومت حرف بزنیم و پرچم تبیین را بلند کنیم و آن را توسعه دهیم، کاری شایسته و درخورو مبتکرانه انجام داده‌ایم.



حجت‌الاسلام والمسلمین رهدار:
جریان مقاومت قرآنی قطب و مدار دارد و از نظر نتیجه و ره‌آورد نیز گفتمان موفق مقاومت را با تعبایر رضوان و قرب و کمال و آرامش کره می‌زند؛ یعنی امکان ندارد جریانی با حق باشد اما به آرامش درونی و قرب و رضوان نرسد

جریان مقاومت، جبهه‌ای است نه جزیره‌ای

علاوه‌بر این، در معرفی روشی برای مقاومت، قرآن کریم بر روش جبهه‌ای تأکید می‌کند نه فردی، لذا وقتی از انبیا گزارش می‌دهد، پراکنده و جزیره‌ای عمل نمی‌کند، بلکه بافت تاریخی برای آن‌ها قائل است که به‌عنوان انسان‌های برگزیده خدا سخن خدا را در بازه‌های مختلف تاریخ به بشر عرضه کرده‌اند، از این‌رو از حضرت آدم^(ع) تا نبی خاتم^(ص) در یک خط و مینا می‌داند که هم جبهه و هم‌مسیر هستند. وقتی قرآن، انبیا را به‌عنوان الگو برای انسان‌ها مثال می‌زند، درواقع به ما می‌آموزد مقاومت محور می‌خواهد که این محور، حجت و ولی خداست و باید دور حجت الهی بگردید تا اگر از شما درباره امام و رهبر و محورتان پرسیدند، مطلع باشید، چنان‌که حتی درباره قیامت هم تصریح می‌کند که مردم با امام خود در قیامت محشور می‌شوند.

ابعاد مقاومت در آیین‌ه وحی

قرآن مجید درباره مسئله مقاومت به ما مینا و ملاک می‌دهد. قرآن، حق و باطل را در قالب جبهه و جریان معرفی می‌کند و وقتی می‌خواهد به ما هویت دهد، مقابل آن غیریت ایجاد می‌کند، مثل جبهه طاغوت در مقابل جبهه توحید. ادبیات مقاومت قرآنی به لحاظ ایجابی، هویت ما را پاسداری و در بعد سلبی، غیریت ما را دفع می‌کند، لذا در همه توصیفات خود درباره نزاع میان جریان انبیا و فراعنه ادبیاتش مبتنی بر مقاومت است. بماندکه حتی در لایه‌های عمیق‌تر و سنگین‌تر، جایی که از نزاع نفس لوامه (وجدان) با شیطان صحبت به میان می‌آورد، هم بر رویکرد مقاومت تأکید می‌کند. در موضوع مقاومت نفس لوامه مقابل نفس اماره نیز همین وضعیت حاکم است.

ره‌آورد مقاومت قرآنی

برای مثال یک آسیب جدی بیداری اسلامی، نداشتن امام و رهبر و فرمانده بود. الگوی مدنظر قرآن کریم برای مقاومت آشکارا، مقاومتی حجت‌محور و امام‌محور است. به‌عبارت دیگر، جریان مقاومت قرآنی قطب و مدار دارد و از نظر نتیجه و ره‌آورد نیز گفتمان موفق مقاومت را با تعبایر رضوان و قرب و کمال و آرامش گره می‌زند، یعنی امکان ندارد جریانی با حق باشد اما به آرامش درونی و قرب و رضوان نرسد. لذا با مراجعه به قرآن کریم، با این‌گونه مبانی و روش‌ها و شاخص‌ها مواجه می‌شویم و به‌راحتی به راه‌کار می‌رسیم.

مقاومت در سیره معصومین^(ع)

برپایه اعتقاد و باور ما شیعیان، کل تاریخ اهل‌بیت^(ع) به درگیری و نزاع با نظام سیاسی خلافت، گذشته است، همچنین، مصادیق مقاومت در سیره اهل‌بیت^(ع) مقابل ظلم و حکام جائر، بسیار است، چنان‌که برخی‌ها محاجات و مناظرات ائمه^(ع) با زندا قه (کفار) را هم در زمره مقاومت فکری و عقیدتی آورده‌اند.

قرآن و روایات درباره مفهوم جهاد که موضع پشتیبانی و هم‌پوشانی درباره مفهوم مقاومت دارد، می‌فرمایند خروجی و ره‌آورد جهاد و مقاومت برای انسان، عزت است، یعنی اگرچه ممکن است در درگیری با جریان استکبار از جهاتی ضربه بخوریم و این در جنگ و نزاع طبیعی است، چون دشمن هم عده و عده و منافع و ابزار خود را دارد و می‌تواند به تحریم و اشغال و اسارت و کشتار دست بزند، اما قومی که مقابل استکبار مقاومت کند، عزیز می‌شود. ره‌آورد مقاومت و جهاد، عزت است، برای مثال زمانی باسرعرات که مؤسس سازمان ساف(سازمان آزادی‌بخش فلسطین) بود، با روحیه مقاومت، عزت داشت و زمانی از این جریان دست کشید و عزتش را از دست داد.